

حسین رجب پور، کارشناس گروه توسعه مرکز پژوهش های مجلس در گفت وگو با «شرق»

۷۰ هزار شغل دستاورد ۶ساله احمدی نژاد

منابع اشتغال زایی صرف کسری بودجه شد



عکس: مهجری قاسمی، ایرنا

ارمغان جوادینا

بررسی عملکرد دولت در بازار کار، حاکی از آن است که در سال های گذشته نه تنها بر تعداد شاغلان در بازار کار کشور اضافه نشده است، بلکه بخش اعظمی از نیروی کار نیز شغل خود را از دست داده اند. این در حالی است که گزارش های مرکز پژوهش های مجلس نشان می دهد در فاصله سال های ۸۵ تا ۹۳، مسئله بی کاری در کشور به مرز بحران رسیده است. کارشناسان نیز هشدار می دهند که اشتغال کشور به حالت راکد و توقف درآمده است و طرح های اشتغال زایی وزارت کار نیز نتوانسته آن طور که بایدو شاید، مؤثر واقع شود. حسین رجب پور، کارشناس گروه توسعه مرکز پژوهش های مجلس، معتقد است سیاست های اشتغال زایی دولت نه تنها اشتغالی ایجاد نکرده است، بلکه کسب وکارها را نیز تعطیل کرده است. او در گفت وگویی تفصیلی با «شرق»، توضیح داده است: سیاست کلی دولت این بوده است که با تحریک رشد اقتصادی، اشتغال ایجاد کند؛ اما به دلیل اینکه راهبرد اصلی اش رشد جذب سرمایه گذاری خارجی بوده، مستقیما بازار کار را هدف قرار نداده است. ضمن اینکه راهبرد دولت برای اشتغال زایی، معمولا از طریق کاهش هزینه های نیروی کار بوده است. او همچنین طرح هایی مانند «کاج» را مقطعی و ادواری می داند که نتوانسته تحولی در بازار کار ایجاد کند.

افزایش عرضه نیروی کار است اما عکس آن عمل شد؛ آموزش داده شد اما نرخ مشارکت روند کاهشی طی کرد. در واقع این موضوع بستگی به نوع آمارگیری نیروی کار دارد که جمعیت بی کار را درون جمعیت غیرفعال طبقه بندی می کند. برای همین ممکن است عمق بی کاری نشان داده نشود اما تأثیر خود را می گذارد. برای مثال نرخ بی کاری ۱۲ درصد و نیروی بی کار ۲.۵ میلیون نفر است اما حدود سه تا چهار میلیون نفر به نیروی نیمه بی کار یا اشتغال زایی آنها پایدار نبوده است؛ یعنی می خواستند از طریق ارائه تسهیلات به یک سری از کسب وکارها یا به صورت غیرمستقیم، اشتغال را تحریک کنند. در یکی، دو سال گذشته، آمارهایی از میزان تحریک اشتغال ارائه می کردند؛ اما حتی با فرض صحت آمارها نیز می توان در بازده پنج ساله این طور دید که اشتغالی که با این طرح ها ایجاد شده، پایدار نبوده است؛ یعنی سیاست های دولت برای اشتغال زایی، ایجاد اشتغال پایدار نبوده است.

کاربرسی وضعیت بازار کار ایران نشان می دهد باوجود کاهش نرخ بی کاری در تابستان ۹۶ به ۱۱.۷ درصد، از نظر شاخص های ملی و استانی، وضعیت مساعدی در حوزه اشتغال وجود ندارد. چرا در سال های اخیر هیچ راهبرد مشخص و جامعی برای اشتغال زایی و رفع چالش های بازار کار در کشور وجود نداشته است؟

سیاست کلی دولت این بوده است که با تحریک رشد اقتصادی، اشتغال ایجاد می شود. بنابراین به دلیل اینکه راهبرد اصلی رشد جذب سرمایه گذاری خارجی بوده است، مستقیما بازار کار را هدف نگرفته اند. راهبرد دولت برای اشتغال زایی معمولا از طریق کاهش هزینه های نیروی کار بوده است. مثلا پرداخت حق بیمه سهم کارفرما یا معافیت کارفرما از پرداخت برخی از موارد حق کار برای نیروی کاری که محدود پنج جذب نیروی کار شود در قالب طرح های کارآموزی. دولت از این سیاست های مقطعی برای اشتغال زایی استفاده کرده است اما چون راهبرد صنعتی مشخصی برای تمرکز بر صنایع و کسب وکارهای اشتغال زا وجود نداشته است، شاید تحركات لازم در بازار کار ایجاد نشده است. البته وزارت کار یک سری طرح هایی را اجرا کرده است که بخشی از آن را می توانیم در آمار ۷۰۰ هزار نفری بینیم اما در برابر انبوهی که از سال های پیش داریم، راهبردها کافی نبوده است.

کار نبود این راهبرد منجر به سردرگمی بودجه های سالانه و کارایی عملکرد منابع نشده است؟
بی تأثیر نبوده است. بودجه ریزی ما همچنان بر مبنای بودجه ریزی افزایشی است و دستگاه ها بر مبنای عملکرد سال گذشته خود در میزان هزینه کرد بودجه می گیرند؛ بدون اینکه عملکرد هزینه کرد بر مبنای کارآمدی شان باشد. مثلا وزارت کار طرح هایی را اجرا کرده است اما طرح های بین دستگای برای تحریک اشتغال در بازار کار اجرا نشده است.

کار پس می توان گفت این موضوع منجر به سردرگمی بودجه ها شده است؟
چون طرح کلانی در دولت ها مطرح نشده، تأثیر چندانی نیز بر بودجه ها نداشته است. البته گفته شده که دولت امسال می خواهد ۶۴ هزار میلیارد تومان از منابع را صرف اشتغال زایی کند. باین حال معلوم نیست از چه طریق می خواهد طرح اشتغال زایی را اجرا کند؛ ضمن اینکه اطلاعات زیادی در این باره منتشر نشده است.

کار در لایحه بودجه سال ۹۷، کل منابع تخصیص یافته برای اشتغال زایی، حدود ۶۸۷ هزار میلیارد ریال است. این نشان می دهد که این منابع نسبت به سال های گذشته، رقم چشمگیری است. فکر می کنید این منابع می تواند تحریک هایی در این بخش ایجاد کند؟

این به عنوان یک ادعا از سمت دولت مطرح شده است اما تا برنامه عملیاتی آن منتشر نشود و متوجه نشویم چند وزارتخانه درگیر آن هستند و چطور قرار است منابع آن تخصیص داده شود، نمی توان درباره

هماهنگی بین دستگای یکی از شروط است، یعنی طرح جامعی برای بخش های مختلف وجود داشته باشد نه اینکه وزارت کار منابعی را تخصیص دهد و دولت از راهکار قدیمی تسهیلات دهی یا مثلا مقررات زایی از بازار کار اشتغال را تحریک کند. دولت نیاز دارد به طور مشخص روی برخی صنایع یا کسب وکارها که اشتغال زا هستند، تمرکز کند و این تمرکز باید فراتر از وزارت کار باشد یا در بحث اشتغال زایی امکاناتی در اختیار شهرداری ها قرار دهد که در کوتاه مدت بتوانند در قالب طرح های عمران شهری بازار کار را تحریک کنند. این مدل برنامه ریزی ها کمتر دیده شده است، چون شهرداری ها را مستقل از دولت در نظر گرفته اند. اگر دولت بخواهد اشتغال را تحریک کند، نیازمند مشخص کردن بخش های خاصی است که اشتغال زا هستند؛ ضمن اینکه باید هماهنگی های بین بخشی ایجاد شود نه اینکه فقط در حد یک وزارتخانه باشد.

کار دولت در تبصره «۱۱» لایحه بودجه سال از عنوان برنامه اشتغال گسترده و مولد استفاده کرده و در متن این تبصره توضیح بیشتری در رابطه با محتوای این برنامه ارائه نشده است. از این استنباط نمی شود که برنامه نسخه ای ناقص از برنامه اشتغال فراگیر است؟

هر طرحی که در مرحله عنوان باشد، نمی توان درباره آن قضاوت کرد. باید جزئیات طرح معلوم باشد. اینکه عنوان طرح را اشتغال مولد یا فراگیر بگذاریم اما جزئیات آن را منتشر نکنیم، نمی توان درباره آن صحبت کرد. معمولا دولت برای طرح های اشتغال عنوانی مطرح می کند و بودجه را می گیرد و بعد طرح خودش را منتشر می کند در حالی که برای اینکه متوجه شویم دولت چه مقدار بودجه نیاز دارد، ابتدا باید طرحش را منتشر کرده باشد که بر آن مبنا منابع را تخصیص دهیم. متأسفانه مسیر درست برای تخصیص بودجه رعایت نشده است.

کار پس می توان گفت این برنامه نسخه ای ناقص از برنامه اشتغال فراگیر است؟

شاید بتوان این گونه هم قضاوت کرد. اما به دلیل اینکه جزئیات اطلاعات وجود ندارد، نمی توان به طور قطع در این باره قضاوت کرد.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

سکان داران مناطق آزاد



اباذر آذر بون
کارشناس حقوقی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد

● سنجه فعالیت سازمان های مناطق آزاد چیست و روش اجرایی عملکرد این سازمان ها از سوی چه اشخاصی تعیین می شود؟ دفاع از نحوه عملکرد سازمان های مناطق آزاد بر عهده چه اشخاصی است؟

برای پاسخ به این پرسش ها، در گام نخست لازم است اشاره شود که قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در سال ۱۳۷۲ که تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ماده ۵ این قانون، سازمان های مناطق آزاد از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنا شدند؛ همچنین با توجه به همین ماده قانونی، سازمان های مناطق آزاد به صورت شرکت با شخصیت حقوقی مستقل هستند و منحصرا بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و اساس نامه های خود اداره می شوند و البته در موارد پیش بینی نشده، تابع قانون تجارت هستند. حال با توجه به شناخت اجمالی از وضعیت حقوقی سازمان های مناطق آزاد و توجه به این مورد که از مقررات عمومی دولت مستثنا هستند، سؤال اساسی این است که سازمان های مناطق آزاد، دولتی هستند یا غیردولتی؟ اگر دولتی هستند، چه کسانی در مجموعه دولت عهده دار تدوین مقررات برای آنها هستند و در نهایت عملکرد سالانه این سازمان ها را با ذره بین های مالی و حقوقی بررسی می کنند؟

اکنون برای تشخیص دولتی بودن یا غیردولتی بودن سازمان های مناطق آزاد، ضروری است به چند محور حقوقی و نکته قانونی در این زمینه توجه کنیم. محور نخست، بر اساس ماده ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، هر منطقه آزاد از سوی سازمانی که به صورت شرکت شکل می گیرد و سرمایه آن شرکت متعلق به دولت است، تشکیل می شود؛ در نتیجه به صراحت متن قانون، صاحب سرمایه سازمان های مناطق آزاد، دولت است.

محور دوم، با توجه به ماده ۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، هر سازمان منطقه آزاد از سوی هیئت مدیره (از سه تا پنج نفر) تشکیل می شود، اعضای هیئت مدیره از سوی هیئت وزیران انتخاب می شوند و مدیرعامل نیز با حکم رئیس جمهور و از میان اعضای هیئت مدیره انتخاب می شود؛ بنابراین تعیین و انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل از سوی مجموعه دولت (هیئت وزیران و رئیس جمهور به فراخور هر مورد) است.

محور سوم، اختیار عزل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر سازمان منطقه آزاد است؛ مستند به ماده ۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، این اشخاص از سوی همان مراجعی که آنها را انتخاب کرده اند عزل می شوند؛ یعنی اختیار عزل اعضای هیئت مدیره با هیئت وزیران است و اختیار عزل مدیرعامل با رئیس جمهور است.

محور چهارم، صدور مجوز برای هزینه کردن درآمدهای سازمان های مناطق آزاد است؛ مستند به بند ۴ ماده ۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، تصویب بودجه سالانه که قبل از شروع سال مالی است و تأیید صورت های مالی سازمان های مناطق آزاد و پس از اتمام سال مالی آنهاست، همگی بر عهده هیئت وزیران است؛ یعنی صدور مجوز خرج این سازمان ها از طریق مجموعه دولت برنامه ریزی می شود.

محور پنجم، بحث نظارت بر عملکرد سازمان های مناطق آزاد است؛ اعمال نظارت غالبه بر فعالیت های سازمان های مناطق آزاد بر اساس بند ۴ ماده ۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، بر عهده هیئت وزیران است.

محور ششم؛ بر اساس ماده ۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد بالاترین مقام اجرایی در زمینه های اقتصادی و زیربنایی منطقه است؛ همچنین بر اساس بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، مدیران سازمان های مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام منطقه محسوب می شوند و همه وظایف، اختیارات و مسئولیت های دستگاه های اجرایی دولتی مستقر در این مناطق، به استثنای نهادهای دفاعی و امنیتی، بر عهده آنهاست. پرواضح است که اختیارات مجموعه های دولتی (و نه غیردولتی) در محدوده مناطق آزاد بر عهده سازمان های مناطق آزاد است. با توجه به تمام مطالب مطرح شده در قوانین جاری کشور، سازمان های مناطق آزاد و سرمایه آنها دولتی محسوب می شوند و فقط با هدف ایجاد آزادی عمل بیشتر در جذب سرمایه گذاری از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنا شده اند.

سازمان های مناطق آزاد در بدنه قوه مجریه قرار دارند؛ بنابراین دفاع از عملکرد مناطق آزاد چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه ای، از همه وزرای عضو هیئت وزیران انتظار می رود؛ هر چند این مهم به موجب تصویب نامه هیئت وزیران به وزیر عضو شورای عالی مناطق آزاد تفویض شده است و وزرای عضو این شورا، تصویب بودجه و آیین نامه های سازمان های مناطق آزاد، نظارت غالبه بر عملکرد این سازمان ها و در نهایت تصویب صورت های مالی سازمان های مناطق آزاد را بر عهده دارند.

Abazar.azarboon@gmail.com

خبر

برنامه ایران برای شکایت از ترکمنستان و تجدید نظر در قیمت گاز صادراتی

● وزیر نفت با اشاره به برنامه ایران برای شکایت از شرکت «ترکمن گاز» ترکمنستان بابت کیفیت گاز تحویلی، گفت: شکایت دیگری را نیز برای ارائه به دیوان داوری بین المللی به منظور تجدید نظر در قیمت گاز صادراتی این شرکت داریم، چراکه معتقدیم قیمت آنها خیلی بالاست و باید کاهش یابد. بیژن زنگنه روز دوشنبه در گفت وگو با ایرنا درباره اختلاف گازی ایران و ترکمنستان، اظهار کرد: «تهران و عشق آباد، شکایت هایی را به طور متقابل علیه یکدیگر دنبال می کنند». وزیر نفت افزود: «آنها ادعا می کنند که مبلغ ۵.۱ میلیارد دلار از ایران بابت صادرات گاز طلب دارند، اما ما معتقدیم این رقم درست نیست». زنگنه درباره شکایت های ایران نیز بیان کرد: «ما معتقدیم قیمت آنها خیلی بالاست و باید کاهش یابد و حتی این شکایت ها نیز باید به دیوان داوری بین المللی ارجاع شود. شکایت دیگر ما درباره کیفیت گاز تحویلی ترکمنستان نیز جزئی از شکایت متقابل در مقابل شکایت دریافت طلب ترکمنستان است». وزیر نفت گفت: «درباره رقم خسارت قصد نداریم اکنون صحبت شود، البته تا زمانی که رسما گزارش خود را برای شکایت مطرح کنیم». حمیدرضا عراقی معاون وزیر نفت پیش از این درباره شرط ایران برای ازسرگیری واردات گاز از ترکمنستان گفته بود: «اگر ترکمنستان قیمت گاز را در آینده پایین بیاورد، از این کشور گاز می خریم، در صورت عدم موافقت عشق آباد با درخواست های ما، از اقدام این کشور در قطع گاز درباره داوری بین المللی شکایت خواهیم کرد. اگر آنها درباره درخواست هایی که ما داریم، حاضر به مذاکره شده و آن را بپذیرند، به دیوان داوری نمی رویم اما اگر نپذیرند، موضوع به دیوان داوری ارجاع داده می شود». عراقی درباره دریافت جریمه از ترکمنستان بابت قطع یکباره گاز در فصل زمستان نیز تصریح کرده بود: «ما نظرات خود را در این باره مطرح کرده ایم». مدیرعامل شرکت ملی گاز درباره رقم جریمه گفته بود: «رقم آن را فعلا نمی شود اعلام کرد». اختلاف گازی ایران و ترکمنستان که از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی با قطع صادرات گاز این کشور به ایران، به اوج خود رسید، پس از گذشت حدود یک سال، همچنان پابرجا مانده و با توجه به نتیجه بخش نبودن مذاکرات، به نظر می رسد در آینده نزدیک پرونده این اختلاف به دیوان داوری بین المللی ارجاع شود.

با تعرفه های جدید آسیاتک بی نهایت داندلسودکن...

رهایی از محدودیت ترافیک

اینترنِت یک، آسیاتک

۱۵۴۴

asiatech.ir

دارای مجوز FCP به شماره ۱۶-۹۴-۱۰۵ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی